

در نشست طوس با حضور دو کارشناس شهری اقدامات حداقلی مدیریت شهری در تثبیت هویت مقاومت ملی-میهنی بررسی شد

صورت مسئله را با تغییر نام خیابان پاک نکنیم

سیدمصطفی قاضی نسیب | کلانشهر مشهد مانند اکثر شهرهای کشور در ماه‌های گذشته شاهد پدیده‌ای بی‌نظیر از حضور استمرار یافته مردم در کف خیابان‌ها بود؛ تجمعانی ملی و میهنی که توانست در بیش از ۲۰۰ شب، سرمایه اجتماعی عظیمی را در پیکره شهر تولید کند؛ اما پرسش اساسی اینجاست «کالبد شهر» تا چه اندازه ظرفیت در آغوش کشیدن این اتفاق‌ها و رویدادهای زنده را دارد؟

همان‌طور که در یادداشت‌ها و نشست‌های گذشته اشاره کردیم، واقعیت این بوده که میان سازه‌های شهری و رویدادهای اجتماعی سطح شهر، هنوز هیچ نسبت ارگانیک و پایداری برقرار نشده است. اتفاق‌های اجتماعی تمایل دارند خود را در کالبد شهر سرریز کنند؛ اما شهر با ماشین‌محوری، بروکراسی مفرط و غلبه کاربری‌های صرفاً تجاری، اغلب این حضور را پس می‌زند. در حقیقت، ظرفیت‌های هویتی و انقلابی ماه‌نوز پشت دروازه‌های شهر مانده و در کالبد و معماری شهری ما تجلی نیافته‌اند. ما از حق شهروندان برای تجمع‌ات (چه حمایتی و چه انتقادی) سخن می‌گوییم؛ اما کالبد شهر، میدانی برای این حق مدنی تعبیه نکرده است.

حال در وانفسای فقدان طرح‌های کلان و زیرساختی شهری از سوی نهادهای متولی و شاید در وانفسای نبود ایده‌های مشخص برای این ظرفیت، مدیریت شهری به ساده‌ترین، دم‌دستی‌ترین و البته پرهزینه‌ترین واکنش ممکن پناه می‌برد؛ تغییر نام خیابان‌های تاریخی مشهد؛ مدیریت شهری در مواجهه با یک رویداد عظیم انسانی، به جای ایجاد فضاهای شهری مناسب آن، صرفاً تا بلو قلزی رو خیابان اصلی را تغییر می‌دهد و طبیعتاً این رویکرد تقلیل‌گرایانه بلافاصله موجب تقابل دوستداران هویت مشهد با این تصمیم‌ها می‌شود. هویت‌دوستان می‌گویند ماه به جای آنکه یک مکان جدید برای رویدادهای ملی بسازیم، کلمات و حافظه تاریخی محلات را مخدوش می‌کنیم.

تجربه ۶ ماهه ما برای پیگیری ایجاد طرح‌های بزرگ شهری از سوی نهادهای متولی شهر، چیزی جز مواجهه با بن‌یست‌های بروکراتیک نبوده؛ گرچه گاه یک مسئول پیش از اینکه به بن‌یست برسد، از ترس آن اقدامی نمی‌کند؛ اراده‌ای معتقدند این وسط خأقانونی وجود دارد و شهرداری قانوناً وظیفه‌ای در قبال تأمین و مدیریت فضای تجمعات ندارد و ورود به این عرصه، در شمار وظایف نهادهای بالادستی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، نهادهای امنیتی و حاکمیتی نیز تاکنون پاسخی عملیاتی برای مکان‌مند شدن این ظرفیت مردمی ارائه نکرده‌اند. پرسش اصلی اینجاست که مگر برگ بزرگی از تاریخ شهری در انقلاب اسلامی رقم نخورده است؟ چه کسی راوی این تاریخ و چه کسی در آینده و حال، حافظ این هویت و منتقل‌کننده آن است؟ چگونه قرار است حافظه جمعی نسل‌های آینده را با هویت امروز مشهد و این سرمایه اجتماعی خلق شده آشنا کنیم؟ آیا تاریخ شهر، ما را خواهد بخشید؟

عده‌ای از شهرسازان معتقدند می‌توان در قسمت‌هایی از شهر که ویژگی‌های مناسبی برای ایجاد کالبد و سازه پایدار شهری دارد، این ظرفیت رها شده را به کارگیری کرد. ایده اجرایی طراحی سازه‌های شهری و پاتوق‌هایی به سبک تکیه‌های قدیم شهری که البته متناسب با اقتضائات امروز به روزرسانی شده، شاید یکی از پیشنهادهای عملیاتی و واقعیت‌بنه‌ای برای استمرار این حضور مردمی در سطح شهر باشد. در گزارش پیش‌رو هم‌راه با دو کارشناس شهری درباره ملاحظات و ملزومات اجرایی شدن این ایده گفت‌وگو کردیم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

■ هوش شهری مردم و باز پس گیری عرصه‌های عمومی

مجتبی گیوه‌چی، پژوهشگر هویت شهری در این باره با اشاره به اینکه در حوزه مدیریت شهری همیشه از مردم عقب هستیم، معتقد است کنشگران اجتماعی کار خود را انجام می‌دهند و تازه پس از آن، جامعه‌شناسان و معماران به دنبال تحلیل رفتار آن‌ها می‌دوند. او اجتماعات مردمی را فارغ از جهت‌گیری هایشان یک فرصت برای شهر می‌داند و در این باره می‌گوید: اصف‌بیات درباره حضور خیابانی مردم گزاره جالبی دارد؛ او بیان می‌کند وقتی شورش‌ها یا اجتماعاتی در بستر شهر رخ می‌دهد، در واقع مردم درصددند فضاهایی را که مدیریت شهری از آن‌ها گرفته بود، پس بگیرند.

این پژوهشگر هویت شهری برای تبیین بهتر موضوع به پدیده محرم اشاره می‌کند و می‌افزاید: وقتی محرم می‌شود، مردم با برپا کردن دو کتری و سماور در گوشه خیابان، پاتوق‌هایی خلق می‌کنند که بسیار زودتر از ساخته‌های حاکمیت به‌شمار می‌آید. دلیل این

امر آن است که ما با رویکردهایمان، مساجد را در مشارکت جوششی مردم خالی کرده‌ایم؛ پس آن جوان باورمندی آید و بخشی از فضای عمومی شهر را در محرم از ما پس می‌گیرد.

گیوه‌چی هوش تاریخی و شهری مردم را دلیل اصلی استقبال نکردن آن‌ها از پاتوق‌های ساخته‌دست شهرداری می‌داند و تأکید می‌کند: مردم دقیقاً می‌دانند کدام نقطه از شهر برای حضورشان اثرگذارتر است. کسی که می‌خواهد اجتماعی شکل دهد، تقاطع و کیل آباد یا میدان احمدآباد را انتخاب می‌کند؛ چون می‌داند آنجا مانیتور می‌شود و بیشتر دیده خواهد شد.

■ فرصت حضور پذیری و خطر انحصارگرایی فضایی

صالح شریفی، شهرساز و مدرس دانشگاه نیز در تحلیل حضور مستمر مردم در ۲۰۰ شب اخیر در کالبد مشهد، بحث را به دو سرفصل فرصت حضور پذیری و تهدید انحصارگرایی تقسیم می‌کند و در این خصوص یادآور می‌شود: ذات فضای عمومی شهری برای این به وجود می‌آید که مردم در آن حضور یابند. ما در این مدت یک فرصت استثنایی داشتیم که بر خلاف ادعای همیشگی پلیس راهور مبنی بر گرّه خوردن ترافیک در صورت حضور مردم، دیدیم که شهر قفل نشد و اتفاق حادی نیفتاد. این حضورپذیری بی‌شک یک دستاورد است.

شریفی اما روی دیگر این سکه را تهدید انحصارگرایی می‌داند و تصریح می‌کند: اگر قرار است فضای عمومی و میدانی طراحی کنیم، پرسش اینجاست که آیا حاضریم این فضا را در زمان‌های دیگر به گروه‌های دیگر هم بدهیم؟ تخصیص فضا به این تجمعات اتفاق مبارکی است؛ اما به این شرط که مردم حق داشته باشند برای عزاداری، جشن تولد یک امام معصوم (ع) یا حتی نقد و اعتراض قانونی هم به همان فضا بیایند.

او بر ضرورت طراحی فضاهای پیاده‌مدار تأکید می‌کند و باور دارد: اگر فرض کنیم پوشش‌های میدان مانند میدان جانپاز را به صورت دائمی به یک فضای پیاده‌مدار تبدیل کنیم، دیگر غصه ترافیک تجمعات را نخواهیم خورد؛ چرا که ذات فضای پیاده‌مدار، پذیرش انسان است نه خودرو؛ اما چالش اصلی این است که این فضاهای جدید نباید فقط برای استفاده یک سلیقه خاص در نظر گرفته شوند.

■ مکان‌های مقدس کشف می‌شوند

گیوه‌چی در ادامه، در خصوص ایده طراحی تکیه‌ها یا سازه‌های باز در کالبد شهری، بر بی‌سابقه نبودن این ایده در شهرسازی ایرانی تأکید می‌کند و می‌گوید: ما در تاریخمان تکیه بازار داریم؛ مثل بازارهای گرگان یا حتی تهران که در مناسبت‌ها تبدیل به تکیه می‌شوند، سکوی تخریه دارند و معاملات اجتماعی در آن‌ها شکل می‌گیرد. این پژوهشگر شهری با استناد به صحبت‌های مهندس بهشتی مبنی بر اینکه معمار ایرانی هرگز به جنگ طبیعت و زمین نمی‌رود، یادآور می‌شود: برای خلق فضای عمومی نباید به جنگ شهر برویم. گاهی وقت‌ها اصلاً نیازی به طراحی فضا نیست؛ بلکه باید آن را کشف کرد. زیر یک درخت کهنسال در محله سالاری مقدم یا کنار یک مسجد تاریخی، میدان‌گاهی به چشم می‌خورد که خودبه‌خود با حضور مردم شکل گرفته؛ اما در مقابل، مدیریت شهری سازه‌هایی



تأکید آذین‌پور

با مسابقات میلیاردی می‌سازد که هیچ‌کس رغبت نمی‌کند در آن‌ها بنشیند.

او با وام گرفتن از نظر اندیشمندان مبنی بر اینکه مکان‌های مقدس نصب نمی‌شوند؛ بلکه کشف می‌شوند، توضیح می‌دهد: صحن عتیق در حرم مطهر روزگاری محل بازی بچه‌ها، صراف‌ی کتاب‌فروشی بود و حضور مردم در طول زمان به آن معنا داد. بنابراین معمار ما نباید هراس داشته باشد که حتماً یک سقف و طاق عجیب بسازد. گاهی فقط کافی است غباری را که روی فضاهای مستعد شهر نشسته است، کنار بزنیم.

■ آناتومی میدانگاه موفق؛ از مقیاس انسانی تا آسایش اقلیمی

شریفی در پاسخ به این پرسش که طراحی فضای عمومی باید چه مختصاتی داشته باشد تا به سرنوشت پاتوق‌های مترو که دچار نشود، ویژگی‌های مشخصی را برآی کارآمدی این فضاها برمی‌شمارد و تصریح می‌کند: نخستین شرط، دسترسی پذیری است. میدانچه محلی باید دسترسی پیاده‌دشته باشد و فضایی با مقیاس شهری مثل میدان جانباز، باید با حمل و نقل عمومی کاملاً در دسترس توان‌یابان و سالمندان قرار بگیرد.

این طراح شهری مقیاس انسانی را دومین شرط می‌داند و با مقیاسه صحن پیامبر اعظم (ص) و صحن انقلاب اظهار می‌کند: میدانگاه‌های شهری نباید بیش از حد بزرگ یا کوچک باشند تا انسان در آن‌ها گم نشود. علاوه بر این، ایمنی و امنیت فضا در برابر خطرات فیزیکی هنگام ازدحام و همچنین تأمین آسایش اقلیمی با ایجاد سایه‌بان و درخت برای در امان ماندن از سرما و گرما، از دیگر شروط حیاتی است.

او سرنوشتی همیشگی را عامل بقای فضای عمومی می‌داند و معتقد است: فضایی که فقط از ۸ تا ۱۲ شب کار کند، فضای مرده‌ای است. در حال حاضر فضاهای متعددی مانند سردر درب شمالی دانشگاه فردوسی با وجود دسترسی به قطار شهری و ایمنی بالا رها شده‌اند، در حالی که میدان پژوهش نمونه‌ای از یک طراحی نسبتاً موفق است که در ساعات‌های مختلف میزبان خانواده‌هاست. خلق این فضاها اختراع چرخ نیست؛ بلکه فقط اراده می‌خواهد.

■ تغییر نام خیابان‌ها؛ تعرض به حافظه تاریخی و کلمات شهری

گیوه‌چی در پایان با تقدیر و یک در تقلیل‌گرایانه مدیریت شهری، فضای عمومی را فراتر از کالبد می‌داند و تأکید می‌کند: فضای عمومی اقتصاد به معنای تولید سرمایه اجتماعی، سیاست به معنای حقوق انسانی و از همه مهم‌تر تاریخ می‌خواهد. دقیقاً به همین دلیل است که تغییر عنوانه نام خیابان‌ها یک اشتباه راهبردی محسوب می‌شود. او با اشاره به یادداشتی از نشریه مکتب بافت یادآور می‌شود: کلماتی که بر شهر نوشته می‌شوند، حامل معنا و حافظه‌اند و هر آنچه بتواند سنت را به اکنون بیاورد، ما را در ساختن فضای عمومی یاری می‌کند. وقتی نام تاریخی یک خیابان بدون هیچ پیشینه‌ای تغییر می‌کند، در واقع به حافظه کوتا مدت و بلند مدت شهر تعرض شده است. این کار، ساختن فضای عمومی نیست؛ بلکه پاک کردن صورت مسئله و نابودی همان زمینه‌ای است که قرار بود مردم در آن حضور یابند.

■ سلام، وقت به خیر، من تمام پیام‌هایی رو که مردم میگن بهتون و شما میذارین توی کانال میخونم؛ ولی چه اهمیتی برای مقامات بالا داره؟ این جوری فهمیدم که همه مردم ایران واقعاً دارن به سختی زندگی میکنند. هیچ تغییری نه در قیمت، نه یارانه، نه مواد غذایی گرون و نه حتی کالا برگ نمیبینیم. صدای ما مردم رو کسی نمیشنوه. پنج تا بچه دارم موندیم. ان شاء الله خدا به دادمون برسه. باز بابت همه چی شکر.

■ چطور میگین مدارس اجازه در یافت هنر هه واسه ثبت‌نام رو ندارن؟ پس مدارس چرا این همه هنرینه از ما میگین؟ مدرسه ابتدایی به جز پول کتاب ۹۰۰ هزار تومان گرفته و برای ثبت‌نام پایه دهم هنرستان بدون هنر هه کتاب ۵ میلیون تومان از ما گرفتن. تازه از بعضی‌ها بتون بیشتر از این میگین. اگر واقعاً قرار بر نگر فتنه، دولت باید کاری بکنه. با این وضع اقتصادی خراب این پول‌ها چی‌ه از مردم میگین؟ مدارس هم بیشتر سال به هزار دلیل تعطیلن. یا سرما یا آلودگی یا جنگ! پول از ما میگین معلوم نیست کجا خرج میکنن.

■ سلام، خسته نیاشید، چرا با وجود اعلام پرداخت معوقات بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی از طرف وزیر کار و رفاه اجتماعی از ۹ شهر یور هنوز هیچ پرداختی برای هیچ بازنشسته و مستمری بگیري حتی به ترتیب حروف الفبا واریز نشده؟

■ هی گرون میکنین. پولدارها که ککشون نمیگزه. ما بدبخت بیچاره‌ها پنج نفر مستاجریم. چه خاکی باید بر سرمان بکنیم؟

■ با سلام، خدمت رئیس جمهور محترم برسونین چرا شهر مشهد که زواری هست، بنزین باید کم باشه؟ مسافر چه گناهی کرده که به خاطر بنزین باید سرگردان شهر غریب بشه؟ وقتی سیستم و کرمان بنزین بیشتری میگیرن، چرا مشهد نباید بگیره؟ مردم برای زیارت رهبر شون میان مشهد. فکر مؤثرتری

بکنین. باتشکر.

■ سلام و وقت به خیر، مسیر جاده شهرستان باخرز به سمت شهرستان زاوه و تربت حیدریه از محدوده روستای آبنیه تا روستای قلعه سرخ انتهای حوزه استحفاظی شهرستان باخرز بیش از سه ماهه یک روکش واکسی رو زدن؛ ولی متأسفانه خط کنشی نمیکنند. رانندگی برای مردم خیلی خطرناک شده مخصوصاً از غروب به بعد و شب. خواهشاً پیگیری بفرمایید. این مردم چه گناهی کردن که کسی به فکر نیست؟ مگه یکی خط کنشی جاده جقدر هنرینه دارد که اداره راه و ترابری باخرز انجام نمیدهد؟! اگه نیاز به فیلم هم هست براتون بفرستم. باتشکر.

■ سلام، وقت به خیر، میخواستم از پلیس ۱۱۰ گلايه کنم که چرا نصف شب بهشون زنگ ميزنيم و ميگيم اتفاقي افتاده، رسيدگي نميکنند؟ ديشب يك آقای دزد توی کوچه آوینی ۲۹ بود که سر ماشین‌ها داشت کلید می‌انداخت. با پلیس تماس گرفتم؛ ولی متأسفانه نیامدند. آقا دزده اومد سر ماشین ما که کلید بندازه، شوهرم در حیاط را باز کرد و دزد پا به فرار گذاشت. ساعت سه و نیم صبح بود و تا ساعت ۵ توی کوچه بودیم؛ اما پلیس ۱۱۰ گلشهر نیامدند.

■ سلام، هر چند آقایون مسئول اگه پیام‌ها رو هم ببینند خوشون رو میزنند به ندیدن و نشنیدن. کسی نیست بگه همین مردم بودند که شماها روزی هون صندلی‌های مسئولیت گذاشتند و متأسفانه مردم رو کلا فراموش کردید. آقایون مسئول این طناب داره پاره میشه. مردم دیگه واقعاً موندند. طرف رو میشناسم، پول یک قرص نان رو نداره. تا چیزی میگی، میشی بد

روزگار. تحریم فقط بهانه است که خوب یاد گرفتید. اون از سخنگوی دولت که میگه پیگیری میکنیم؛ ولی فقط حرف‌های خوبی میزنن. وقتی صحبتشان تمام شد، دیگه حکایت همون یک قیر گوش در و یکی دروازه است. من نمیدونم سبب زمینی و پیاز چه ربطی به تحریم داره که الان کیلویی ۸۵ هزار تومنه؟ باید پیش خدا جواب پس بدید. مردم خوبی داریم؛ ولی قدر نمیدونید. هر چی بگیریم انگار آب توی هاون کوبیدنه. بعضی از مسئولین ماقط بلندن حرف‌های خوبی بزنن؛ ولی در عمل هیچی نیستند. منم کشورم رو دوست دارم و حاضرم جانم رو بدم؛ ولی توی قرآن هم آمده شکم گرسنه دین و ایمان نداره آقایون مسئول.

■ چرا این قدر ظلم؟ تا کی میخواین عذاب بدین مردم رو؟ اگه این مردم نبون، این مملکت نبود. چرا این قشر ضعیف رو اذیت میکنین؟ فقیر هیچی نداره دیگه. چه جوری باید بگه ندارم؟ کارگرم ۱۰ ساله یخچال گرفتم. الان درهاش شکسته. میگم بیان درست کنن میگن ۵ تا ۱۰ میلیون خرج داره. گازش خالی شد، ۳ تومن خرج کردم. خواستم بخرم گفتن ۱۱۵ میلیون! آخه من با سه تا بچه مدرسه‌ای و نوزاد چه طوری چرخ این زندگی رو بدم؟ هر روز کوکو، کته و سیب زمینی. این بچه‌ها چه جوری میخوان بزرگ بشن؟ مرغم که از سفره‌ها رفته. تا کی گرونی؟ مسئولی نیست به فکر باشه؟ خدا آقای رئیسی رو بیارمه. تا بود غم نداشتیم. خدا خیرش بده. ■ سلام، لطفاً برای سوخت تراکتورهای کشاورزی مشکلاتمون رو به گوش مسئولان برسونید. واقعاً در کشوری با این همه منابع، تراکتور برای سوخت بمونه؟ از شهرستان زاوه هستم. منتون.

■ برای ثبت‌نام زمین طرح جوانی جمعیت چهار فرزند زیر ۲۰ سال، سه سال پیش اقدام کردیم اسممون در اومده؛ ولی هنوز از زمین خبری نیست. چرا دولت به حرفی که میزنه عمل نمیکنه؟ در روستا زندگی میکنیم، ۶۰ کیلومتری جاده مشهد سرخس.

■ سلام، سیاست دولت در مورد کسانی که مسافرکش هستند و درآمدشان از همین مسافرکشی هست و همچنین کارگرانی که به اجبار باید از شخصی‌ها به خاطر طی مسیر و نبود حمل و نقل عمومی استفاده کنند، چه خواهد بود؟ بد نیست سایتی هم برای این گروه‌ها در نظر بگیرند. وقتی بندگان خدا از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند چه کار بکنند؟ طرحی پیاده

کنند تا به آن‌ها ظلم نشود.

■ سلام، بی‌رحمت به گوش مسئولین برسونین ما که بچه کوچک داریم و قبل از عید به دنیا اومده، نه بهمون کارت امید میدن نه طرح یسنا. چی کار کنیم با این گرونی؟ همون طرح یسنا رو دو بار بهم دادن دیگه ندادن. همون روبدن حداقل یه بسته پوشک که میشه خرید. با این گرونی و مستأجری و کارگری، مونده شوهرم توی خرج زندگی. بیکاری از یک طرف، خرج و مخارج و گرونی از طرف دیگه. چرا برام طرح یسنا واریز نمیشه؟ احتیاج دارم. بچه شیر میدم. بدمن ضعیفه و نای راه رفتن ندارم.

باسخ دهیار روستای برزش آباد به گلايه مخاطب قدس در خصوص استفاده از آب شرب برای آبیاری گلخانه در این روستا

با سلام، به اطلاع می‌رساند در این روستا آبیاری گلخانه‌ها با توجه به حجم و وسعت آن‌ها با آب شرب نه تنها امکان‌پذیر نیست؛ بلکه غیرقانونی است و رسیدگی و آبیاری در این گلخانه‌ها با مجوز رسمی و قانونی و از طریق چاه کشاورزی انجام می‌شود.



استان رتبه سوم کشور

در توانمندسازی زنان سالمند را کسب کرد

مدیرکل بهزیستی خراسان جنوبی گفت: ۹۱هزار سالمند در استان زندگی می‌کنند و خراسان جنوبی با اجرای طرح‌های نوآورانه، به سمت سالمندی سالم و سعادتمندانه حرکت می‌کند.

به گزارش خبرنگار مهر، وحیدرضا گازرانی‌ظهر یکشنبه در دومین جلسه شورای سالمندان استان که با حضور رئیس سازمان بهزیستی کشور برگزار شد، اظهار کرد: جمعیت سالمندان استان ۹۱هزار نفر است که ۵۶/۱۰ درصد جمعیت خراسان جنوبی را شامل می‌شود و استان از نظر شاخص سالمندی در رتبه بیست و دوم کشور قرار دارد.

وی افزود: ۴هزار و ۳۷۶ سالمند تنها، ۲هزار و ۲۱۳ سالمند مستمری‌بگیر، ۱۱هزار و ۷۸۲ سالمند عضو خانوارهای زیر پوشش و ۶۸۱ سالمند سرپرست خانوار در استان شناسایی شده‌اند.

توزیع نفت در روستاهای استان

آغاز شد

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان شمالی گفت: توزیع نفت در مناطق روستایی در اولویت است. اکنون زمان ذخیره‌سازی سوخت است و باید تمام ظرفیت‌های موجود شناسایی و فعال شوند. سیدمجتبی علوی مقدم در کارگروه مدیریت بهینه مصرف خراسان شمالی ادامه داد: حتی واحدهای صنعتی تعطیل که مخازن با ظرفیت ذخیره‌سازی سوخت دارند نیز باید در این فرایند مورد استفاده قرار بگیرند و ظرفیت‌های خالی برای ذخیره سوخت تکمیل شود.

وی با تأکید بر اینکه منابع ذخیره سوخت خالی نباید بدون تعیین تکلیف باقی بمانند، افزود: هر مخزن خالی باید پر و در صورت ضرورت پلمب شود تا در زمان نیاز و پس از تعیین تکلیف، امکان استفاده از آن وجود داشته باشد.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار